

چشم انداز اوضاع سیاسی و اعتراضی در سال جدید

مصاحبه انترناسیونال با شهلا دانشفر

۲۴ مارس ۲۰۲۲
مندرچ در انترناسیونال ۹۶۵

انترناسیونال: شهلا دانشفر! بسال تازه ای شروع شد و چشم انداز اوضاع بویژه از نظر اقتصادی چندان امیدوار کننده نیست. مبارزه برای رفاه و معیشت در ایران به جزئی از مبارزه سیاسی تبدیل شده است. چرا که افزایش سرسام آور قیمت کالاهای ضروری مورد نیاز مردم و گرانی ها زندگی بخش عظیمی از مردم را با رنج و محرومیت بسیار همراه کرده است. بنظر شما در سال جاری که اکنون در آغاز آن هستیم وضع از چه قرار خواهد بود؟

شهلا دانشفر: همانطور که همه میدانند بحران اقتصادی همزاد جمهوری اسلامی بوده و در طول ۴۳ سال حاکمیت این رژیم چیزی جز فقر و فلاکت و بی‌تامینی نصیب مردم نشده

است. طی تمام این سالها چپاول و غارت زندگی و معیشت مردم و رانده شدن هر روز بیشتر جامعه به دره فقر و نابودی سیاست جاری و هر روزه حکومت مافیایی سرمایه داری حاکم بوده است. اما امروز بحث بر سر رسیدن اقتصاد جمهوری اسلامی به خط پایان و ورشکستگی کامل است و این به وضعیت کنونی و تقابل مردم با این حکومت بر سر زندگی و معیشت ویژگی میدهد.

در نیمه سال گذشته بود که سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی طی گزارشی به تحلیل بدهی‌های دولتی پرداخت و در مورد قرارگرفتن دولت در آستانه ورشکستگی "در آینده نزدیک" هشدار دارد. اما بطور واقعی

کار از ورشکستگی گذشته است. بحث بر سر فروپاشی اقتصادی است.

سیر اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی و سرازیری پرشتاب آن مصداق بارز این گزارش است و در این میان این زندگی و معیشت مردم است که دارد به نابودی کشیده میشود. از همین رو لایحه بودجه دولت برای سال ۱۴۰۱ یک لایحه ریاضتی برای مردم و لایحه یک حکومت ورشکسته است. یک بند جنجالی این لایحه حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی است که گرانی کالاها و فشار اقتصادی بیشتر به مردم تبعات فوری آن است. همین یک قلم به وضوح از در پیش بودن شرایط معیشتی بسیار دشوار تری در سال ۱۴۰۱ برای مردم

حکایت میکند. سخن از شش تا هفت برابر شدن قیمت ها و وارد شدن شوک تورمی به کل جامعه است. خودشان دارند از عواقب اجتماعی گرانی ها و از در پیش بودن آبانی به مراتب "بدتر" و با اشاره به اینکه اقتصاد ایران وارد دوران جدیدی شده و از حرکت لوکوموتیو نظام به ته دره سخن میگویند.

قدرت خرید مردم آنچنان پایین آمده است که کالاها روی دست فروشندگان میماند و اینهم به معضلی در بازار تبدیل شده است. گر قبلا بفرض تولید کنندگان لوازم خانگی با فروش تولیدات خود در جامعه با مشکل روبرو بودند، اکنون این ناتوانی به خرید پوشاک، مسکن، درمان و دارو و حتی ارزاق و خوراک مردم

کشیده شده است. میوه ها و بسیاری از مواد غذایی در انبار ها می مانند و می پوسند. حتی در آستانه نوروز دولت میوه جات را از باغات خریداری کرده بود که در بازار بفروشد. اما روی دستشان ماند. و یا بطور نمونه فروشگاههای لوازم خانگی تبلیغ فروش قسطی میکنند اما چندان خریدار پیدا نمیشود. این مصداق بارز وضعیت بحران اقتصادی ای است که تورم و رکود با هم بر اقتصاد حاکم شده است.

حال در شرایطی که ما شاهد فلاکت بیسابقه و فاجعه بار مردم و سیر نزولی سطح معیشت کارگران و کل جامعه هستیم، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ از سوی شورای عالی کار ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان تعیین شد. در

حالی که خودشان نرخ سبد معیشتی خانواده کارگری را ۹ میلیون و قبلتر از آن ده تا ۱۲ میلیون اعلام کرده بودند. بگذریم که به گفته خودشان همین افزایش مزدی ای را هم که مجبور شدند اعلام کنند برای مقابله با رکود بازار بوده است. از سوی دیگر تعویق پرداخت دستمزدها در سطح جامعه نیز عمومیت دارد و حتی پیمانکاران مفتخور حاکم بر صنعت نفت اعلام کرده بودند که پرداخت مزد سه ماه پایان سال را به سال ۱۴۰۱ موکول میکنند و این موضوع با موجی از اعتراض روبرو شد. همچنین ابعاد فاجعه بار بیکاری نیز بعد دیگری از وضعیت اسفناک معیشتی مردم و گسترش اعتراضات بخصوص در میان جوانان را بیان میکند. در چنین شرایطی سال ۱۴۰۰

پایان گرفت. جالب است خامنه ای نیز در پیام نوروزی ۱۴۰۱ تنگی معیشت، گرانی و تورم را سخت ترین و مهمترین "تلخی کشور" در سال گذشته دانست و بعد مثل همیشه با پیشرمی تمام به چشم جامعه نگاه کرد و گفت: "رفع مشکلات یاد شده به این زودی واقع بینانه نیست".

یک امید حکومتیان به برجام است. اما وضعیت اقتصاد حکومت عمیق تر و بدتر از آنست که با برجام یا بدون برجام گشایشی در آن ایجاد شود.

تا اینجا فقط از جنبه اقتصادی و مالی و معیشتی صحبت کردیم. اما از نظر اجتماعی و سیاسی

نیز مردم بشدت زیر فشار و ناراضی هستند و در تلاشند که محدودیتها و زندان و اعدامهای جمهوری اسلامی را کنار بزنند.

انترناسیونال: شما در گفته هایتان از اعتراضات گسترده مردمی در سطح جامعه و نگاه متفاوت به سال ۱۴۰۱ اشاره کردید. فضای اعتراضات در سال گذشته چگونه بود و چشم انداز جامعه را از این نظر یعنی از نظر جنبشها و اعتراضات و اعتصابات در این سال چگونه می بینید؟

شهلا دانشفر: به باور من سال ۱۴۰۰ یکی از پر تحرک ترین سالهای اعتراضی کارگری و بخش های مختلف جامعه بود و سال جاری شاهد طوفان مبارزات خواهیم بود. در سال

گذشته ما شاهد جلو آمدن قدرتمند تر جنبش دادخواهی بودیم. خانواده هایی که در مضحکه انتخابات رییس جمهوری جلاد رئیسی آمدند و اعلام کردند که رای آنها سرنگونی است. آنها از مبارزات کارگران نفت و معلمان معترض و بازنشستگان و خیزش های مردمی در خوزستان و اصفهان اعلام حمایت و پشتیبانی کردند. انزجار خود را از قتل فجیع مونا حیدری این قربانی کودک همسری اعلام داشته و کل نظام را مسبب این جنایت اعلام کردند. در دادگاه مردمی آبان و محاکمه حمید نوری این مهره جنایتکار رژیم در استکهلم شجاعانه شهادت دادند و بر محاکمه جنایتکاران حکومت تاکید کردند و در روز جهانی زن نیز با پیام های گرم خود این روز را هم گرامیداشتند.

در سال گذشته جنبش کارگری کولاک کرد. برای مثال کارگران پیمانی نفت که آغازگر اعتصابات سراسری و گسترده در سال ۱۴۰۰ در بیش از ۱۱۵ مرکز نفتی بودند، اکنون دارند خود را برای دور جدیدی از اعتراض و مبارزه و جمع کردن بساط پیمانکاران مفتخور از محیط های کار و پیگیری مطالباتشان آماده میکنند. و در همین مدت مبارزات آنها خواست برچیده شدن بساط پیمانکاران را به خواست بخش های وسیعی از جنبش کارگری که با همین معضل درگیرند تبدیل کرده و به جنبشی اعتراضی در کف خیابان تبدیل کرده است.

مثال دیگر معلمان هستند که اعتراضات

با شکوه و گسترده آنها در سال ۱۴۰۰ دامنه اش به بیش از ۱۵۰ شهر کشیده شد و باردیگر ممکن بودن اعتصابات و تجمعات سراسری را به جامعه نشان داد و الگو شد. جنبشی که با اتکا به تشکل سراسری و توده ای خود یعنی "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" که در برگیرنده نمایندگان منتخب مجامع عمومی تشکلهای مختلف معلمان در شهرهای مختلف است، توانست جنبش شوراها این آلترناتو سازماندهی مبارزاتی مردمی را با موفقیت هایش گامی بزرگ به جلو برد.

بازنشستگان بخش رزمنده دیگر جامعه هستند. تجمعاتی که در هفته های اخیر از سوی سی و یک نهاد و گروه بازنشستگان فراخوانش

داده شد و آنها بر تداوم قدرتمند تر یکشنبه های اعتراض تاکید کردند و اکنون بخش های مختلف آنها در دفاع از زندگی و معیشت خود در میدانند و یک موضوع اعتراض همه و در واقع کارگران و کل جامعه اعتراض به بودجه ریاضتی حکومت این تعرض عریان به معیشت همگان است.

از سوی دیگر ما خیزش کشاورزان و مردم اصفهان علیه چپاول محیط زیست توسط سرمایه داری مافیایی حاکم و خیزش مردمی در خوزستن در تیرمه ۱۴۰۰ علیه بی آبی را داشتیم که با شعار مرگ بر دیکتاتور به خیابان آمدند و خواسته‌هایشان را طلب کردند و این مردم همچنان مطالبه‌گرند .

در عین حال قتل بکتاش آبتین این شاعر آزاده بدست جانیان اسلامی اگر چه شوکی برای جامعه بود اما جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را با قدرت بیشتری به جلو پرتاب کرد و امروز ما با یک جنبش قوی برای گشودن در زندانها و علیه اعدام و سرکوبگری های حکومت روبرویم.

در بستر چنین ابعاد گسترده ای از اعتراض و مبارزه بود که در روزهای پایانی سال ۱۴۰۰ بخش های مختلف کارگری و همه بخش های معترض جامعه با بیانیه های کیفی خواستی خود و با اولتیماتوم دادن هایشان بر تداوم قدرتمند مبارزاتشان در سال ۱۴۰۱ عهد و پیمان بستند.

و نیز در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه است که جشن های نوروزی و چهارشنبه سوری به روزهای شکستن سنتهای حکومت و اعتراض مردمی تبدیل شد. روزهای متفاوت از هر سال که نه صرفاً به شکل قرق کوچه ها و پس کوچه ها و جنگ و گریز با نیروهای سرکوب، بلکه بصورت جشن و پایکوبی از سوی جمع های بزرگ مردمی در شهرهای مختلف برگزار شد. این جشن ها انعکاسی از تجدید عهد کردنهای مردمی برای پیگیری خواستههایشان بود. مردم در این مناسبت ها در کف خیابانها بطور واقعی "جشن قدرت" خود را در عقب زدن قوانین ارتجاع اسلامی و بساط آپارتاید جنسی حاکم برپا کردند و ما شاهد رقص زیبای دختران

بی حجاب و پایکوبی زن و مرد در کنار هم در این مناسبت ها بودیم. به عبارتی روشنتر تر این جشن پیروزی مردم بر نیروهای سرکوب حکومت، بر گله های آخوند و دایناسورهای ماقبل تاریخ حوزه علمیه قم و فتوای کپک زده شان بود. به این ترتیب نوروز و چهارشنبه سوری امسال به هشت مارس، روز جهانی زن پیوند خورد. هشت مارس که با شکوه و قدرتمند به عنوان نقطه اتحاد جنبش های اجتماعی مختلف در کنار مدافعین حقوق زن با فریاد آزادی، برابری نه به آپارتاید جنسی، در تاریخ جنبش نوین زن درخشید و به هشت مارس کارگران، معلمان، مادران دادخواه و بخش های مختلف جامعه و همه زنان و مردان آزادیخواه تبدیل شد.

خلاصه کلام اینکه جامعه ایران با جنبش های قدرتمند اجتماعی اش هر روز سازمان یافته تر و با خواسته های روشنتر دارد به جلو گام برمیدارد. بنابراین علاوه بر جنبش کارگری، جنبش دادخواهی، جنبش نوین زن که شاهد درخشش آن در هشت مارس امسال بودیم. جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و سرکوبگری های حکومت، جنبش در دفاع از حقوق کودک، جنبش علیه تخریب محیط زیست، جنبش خلاصی فرهنگی، جنبش رنگین کمانی ها، همه و همه امروز از جمله جنبش های قدرتمندی در سطح جامعه هستند که نابودی کل بساط سرمایه داری وحشی همه آنها را به هم پیوند میدهند. و این پیوند یک

پیشروی بزرگ جنبش سرنگونی است که هر روز بیشتر خود را در بیانیه های مشترک، در فراخوانهای مشترک، در بیان واحد خواستهها و مطالبات و در حمایت ها و همبستگی ها و نیز در روزهایی چون هشت مارس، روز جهانی زن نمایان میسازد. و در اینجا اولین نکته مهم اینست که جنبش کارگری با قدرتی خیره کننده پیشاپیش همه این جنبش ها و کل جامعه در حرکت است و با عروج خود گفتمانهای چپ و رادیکال را به جلوی صحنه سیاست کشیده و دارد سیر تحولات آتی را رقم میزند.

با تکیه به همه پیشروی هاست که امروز در آغاز سال ۱۴۰۱ بر پیوند و اتحاد مبارزاتی

بخش های مختلف کارگری و کل جامعه تاکید میکنند. و به باور من روز جهانی کارگر، اول ماه مه که چیزی به آن باقی نمانده است، میتواند روز تجلی اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه علیه کل بساط توحش و بربریت جمهوری اسلامی باشد. به باور من سال جاری آستن اتفاقات تحول سازی است و سالی است که انقلابی انسانی با خواسته های انسانی را در چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است.

انترناسیونال: اما سوالی که پیش می آید اینست که بیش از یک دهه است که جامعه چنین در تب و تاب است. شما تفاوت ها را در چه می بینید؟ و چه استنتاجاتی از این شرایط میشود داشت؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که امروز جنبش سرنگونی در موقعیت بسیار متفاوت و جلوتری نسبت به یکسال یا حتی شش ماه قبل قرار گرفته است. اولین تفاوت اینست که امروز اعتراضات مردمی از سطح طغیانهای موردی مردمی فراتر رفته و به اعتراضات وسیع و گسترده هر روزه مردمی در کف خیابان، با خواستههایی روشن و شفاف و سازمانیافته و قدرتمند و در ابعاد سراسری تری تبدیل شده است.

ما همواره بر رفتن جامعه بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری تاکید کرده ایم و امروز وقتی به اعتراضات جاری در سطح جامعه

نگاه میکنیم بدرجه زیادی این امر تحقق یافته است. در سوال قبل بطور مبسوط به این اعتراضات اشاره کردم. اخیر ترین آنها اعتصابات و تجمعات سراسری معلمان بود که حقیقتاً حماسه آفریدند.

همه اینها بیانگر این واقعیت است که اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری شکل بسیار واقعی و عملی ای بخود گرفته است و به این لحاظ امروز جامعه گامی به جلو برداشته است. بنابراین اولین استنتاج از این شرایط اینست که خواستههای مشترک سراسری امروز به حلقه اتصال مبارزات بخش های مختلف کارگری و جنبش های اعتراضی مختلف در سطح سراسری تبدیل شده است و هم اکنون در

فاز پیوند خوردن این اعتراضات به یکدیگر و کشیده شدن اوضاع بسوی اعتصابات عمومی و قیام‌های قدرتمند مردمی در سطح سراسری قرار داریم. و باید تاکیداتمان را بر این پیشروی‌ها و حرکت به این سو بگذاریم.

مشاهده دیگر اینست که امروز اعتراضات کارگری و اعتراضات بخش‌های مختلف معترض جامعه از سطح مطالبات صرف معیشتی فراتر رفته است و مردم در مبارزات هر روزه شان دارند کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش میکشد. بنابراین یک تفاوت آشکار امروز در بیان صریح و عریانتر اعتراض در کف خیابان و رودرروی آشکارتر با کل حاکمیت است. قد علم کردن مادران و خانواده‌های

جانباختگان با شهادت جسورانه خود در دادگاه بین المللی آبان و اعلام اینکه رای آنها سرنگونی است در مقطع مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، اعلام کیفرخواست بخش های مختلف جامعه علیه کشتار کرونا و نشانه رفتن بسوی خامنه ای جلاد بعنوان عامل اصلی این جنایات، تبدیل بیدادگاه های حکومت به صحنه اعتراض خود از سوی معلمان درهنگام محاکمه همکارانشان ، بلند شدن اعتراض کل جامعه بعد از قتل فجیع مونا حیدری و معرفی نظام به عنوان مسبب چنین جنایاتی مثالهایی بارز از این وضعیت جدید و آیین پیشرویهها است.

جنبه مهم دیگر جلو آمدن صف عظیمی از رهبران و اکتیویست های چپ و رادیکال

اجتماعی در جنبش کارگری و در بخش های مختلف کارگری و ل جامعه است. همه این اتفاقات نشانگر نقطه عطف مهمی در جنبش سرنگونی است.

در متن چنین شرایطی است که حکومتیان بشدت به هراس افتاده و تکرار آسانی دیگر آنهم در ابعاد گسترده تر به یک کابوس دائمی آنها تبدیل شده است.

انترناسیونال: یک ابزار مهم برای عقب راندن اعتراضات جامعه زندان و سرکوب است. از جمله امروز با دستگیریها و تشدید سرکوب مبارزات قدرتمند معلمان و اکتیویست های جامعه روبرویم. پاسخ جامعه به این سرکوب

ها چیست و راه مقابله کدامست؟

شهلا دانشفر: ببینید! مردم دیگر جانشان به لب رسیده است و در اعتراضات هر روزه شان دارند فریاد میزنند که دیگر ترسی ندارند و معیشت، منزلت و داشتن زندگی ای انسانی را حق مسلم خود میدانند. شما مثال معلمان را زدید. ولی همین معلمان یک سنگر مهم مقابله با سرکوبگری های حکومتند و این دستگیریها خللی در مبارزات و اعتصاباتشان ایجاد نکرده است. معلمان یکی از پایه های مهم کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی هستند. همین امروز نیز در برابر سرکوبگری های حکومت قاطعانه اعلام کرده و میگویند این سرکوبگری ها ذره

ای در عزم آنها برای پیگیری مطالباتشان
تاثیر نخواهد داشت. از جمله تبدیل صحنه
بیدادگاههای حکومت در اعتراض به محاکمه
همکارانشان، یک شکل قدرتمند رویارویی با
سرکوبگران حکومت است. مثال دیگر قتل
خاموش بکتاش آبتین و به لرزه در آمدن
زندانیها و جلو آمدن قدرتمند جنبش برای
آزادی زندانیان سیاسی در سطح جامعه بود.
که یک سر آن در زندانیها و در سطح جامعه و
در میان خانواده های زندانیان سیاسی بود و
سر دیگرش حمایت های بین المللی مدافعین
زندانیان سیاسی در اروپا و اقصا نقاط جهان
است. به همین اعتراضاتی که از سوی مردم
معرض در کف خیابان اتفاق می افتد نگاه
کنید. می بینید که تجمع کنندگان معرض

چگونه جانانه مقابل سرکوبگران حکومت و دستگیر کردن‌ها می‌ایستند. یک نمونه‌اش در تجمع بازنشستگان مخابرات در همین روزهای اخیر در مشهد بود در حالیکه فرمانده نیروی انتظامی به مردم هشدار میداد و تجمع آنها را غیر قانونی میخواند مردم در محل مانده و آنها را هو میکردند. یا در جریان خیزش کشاورزان دیدیم که چگونه مردم و جوانان شهر با سرکوبگران حکومتی درگیر شدند.

نمونه‌های دیگرش را در مبارزات جانانه کارگرن نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز است. در این مبارزات کارگران کاری کردند که همکاران زندانی خود را آزاد کردند. کاری کردند که پرونده‌های تشکیل شده برای آنها لغو شد و

کارگران تبرئه شدند و الان هم یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه مختومه اعلام شدن پرونده فرزانه زیلابی وکیل آنها و آزادی فوری و بدون قیدو شرط سپیده قلیان از حامیان نیشکر هفت تپه و صدای آزادی و انسانیت در زندان است.

در این سرکوب کردن ها یک تلاش حکومت سرکوب سایبری بود. اما سخن گفتن از این موضوع در دنیای امروز پوچ است. ادامه اعتراضات کف خیابانی مردم را امروز ما در کلاب هاس ها و گروههای تلگرامی هزاران نفره و اینستا و تویتر می بینیم. در این بستر است که مردم در تماس و ارتباط دائم قرار دارند. بر سر خواستهها و مبارزاتشان هم نظری و اجماع

میکنند. فراخوانهای اعتراضی خود را میدهند و تشکلهای سراسری و توده ای خود را شکل میدهند. حکومت با طرح مسخره "صیانت" که طرح فیلتر گذاشتن بر اینترنت و امنیتی کردن آن بود جلو آمد و زیر فشار اعتراض جامعه تاب نیاورد و ناگزیر شدند اعلام کنند که اجرای این طرح موقتا متوقف میشود!

این چنین است که امروز شعارهایی چون نه تهدید، نه سرکوب دیگر اثر ندارد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد. کارگر زندانی آزاد باید گردد به شعارهای اعتراضی تجمعات مردمی در مناسبت های مختلف و قطعنامه ها و بیانیه های بخش های مختلف جامعه تبدیل شده است. به باور من

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش علیه اعدام امروز دو جنبش قدرتمند در ایران هستند. جنبش دادخواهی نیز در پیوند تنگاتنگی با این جنبش ها قرار دارد. با قدرت نیرویی که این جنبش ها در خود دارند میتوان در زندانها را باز کرد. با امید اینکه سال ۱۴۰۱ سال بازکردن در زندانها و پایان دادن به عمر این رژیم جنایت و سرکوب باشد.

۲۴ مارس ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام